

آیت الله آملی لاریجانی: بهترین واکنش به حملات علیه دستگاه قضا، خدمت رسانی بیشتر است



صفحه ۲

باید جزئیات برخی پرونده‌ها را به مردم گفت

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز



رئیس جمهوری فرانسه:

اسد در قدرت می ماند، باید با او مذاکره کنیم

صفحه ۱۵

Vol. 10 No. 2331 Tue. Dec. 19, 2017 ISSN: 2008-2886

۱۱۷۹ سال و ۲۲ روز گذشت

سه شنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۶ ۲۰ ربیع الاول ۱۴۳۹ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۷ سال دهم شماره ۲۳۳۱ ۱۶ صفحه ۱۰۰۰ تومان

یادداشت امروز

قصه هوا! غصه آلودگی!

حسین قدیانی: مدارس نسل ما را، یا موشکباران صدام آمریکایی تعطیل می کرد یا برفا! هر چه بود، آسمان دهه ۶۰ آبی بود! همین اول بسم اللهی، کات که بنا دارم مخاطب خوانی کنم به قول معروف! این تن بمیرد، توی خواننده این یادداشت، خیال نکردی در سر این متن، سودای رجوع به گذشته و مدح روزگار ماضی است؟! نه اما! خدا شاهد است هرگز قاتل به دهه ۶۰ پرستی نیستیم و هرگز از یاد نبردهام ترس و استرس درون پناهگاه‌ها را! صف آب فشاری سر کوچه را! صف شیر را! صف کیسول گاز را! صف کوپن شماره ۲۵۵ ستاد بسیج اقتصادی را! آری! تلویزیون ما در دهه ۶۰ کلا ۲ کانال داشت که خیلی وقت‌ها هم جز جنگ برفک، برنامه‌های نداشت! ولی خب! کانالی هم بود به نام «کانال کمیل» که دهه ۶۰ را دهه‌ای آسمانی کرده بود! پس شرف دهه ۶۰ بیش از آسمان پاکش، به مردان پاک برمی گشت که به معنای واقعی کلمه «ملی‌گرا» بودند! و ملی‌گرا، در دهه فعلی هم به وفور یافت می‌شود! از من بهر سی، مدافعان حرم را بهترین و برترین ملی‌گراها می‌دانم که متعلق به همین دهه کنونی هستند! پس دل من برای دهه ۶۰ تنگ نشده، ولو آنکه بداند دهه ۶۰ هر مشکلی داشت، بعضی مشکلات زمان فعلی را نداشت! معضل لامرورت آلودگی هوا، ربطی به این دهه و آن دهه ندارد! اگر دهه ۶۰ رنگ آسمان، آبی بود، خب! این همه هم ماشین نبود اما سالیانی است که ماشین هست و تدبیر نه! و آنچه ما را خفه کرده، همین بی‌تدبیری است! همین بی‌اعتنایی! همین بی‌عاری! آنی فرض کنید قاسم سلیمانی هم می‌خواست مثل دست‌اندر کاران موظف به رفع و دفع آلودگی هوا، بادشمن قدرمند بچنگداند! واقعا فرض وحشتناکی است! اما آنی فرض کنید دولت و شهرداری و که، و ما همان عزم جزم حاج‌قاسم در نبرد با لعین تکفیری، به جنگ ریزگردها و عناصر آلاینده هوا می‌رفتند! آیا این بود وضع هوا؟! من از دولت محترم، چند پرسش دارم! چرا ریزگردها، فقط مدارس مقطع ابتدایی، تعطیل شد؟! چرا دیروز و امروز فقط همه مدارس؟! آیا من کارمند، من کارگر، من دانشجو، من استاد، من روزنامه‌نگار، من مرد، من زن، ریه نداریم؟! و آدم نیستیم؟! گیرم «تدبیر» ندارید، «تعطیل» هم نمی‌توانید بکنید؟! خدا شاهد است کسالتی چون ما که محل کارمان در مرکز شهر است، مدام چشم‌مان می‌سوزد! فقط خدا می‌داند درون ریه‌های ما چه خبر است! البته فقط ما نیستیم! پدر از ما، خوزستانی‌ها و اساسا همه ساکنان غرب ایران عزیزا! باری در همین ایام از سال و در حالی که از شدت آلودگی، چشم‌ها، چشم‌ها، چشم‌ها، در صفحه یک همین «وطن امروز» سلامی عرض کردیم خدمت خاتم ابتکار که خیلی دیده شد! و خیلی چرخ خورد در فضای مجازی! اما ایشان بیشتر در هوای برجام، نفس می‌کشید! و بیش از محیط‌زیست، دربند سیاست بود! حتی رفت و مصاحبه کرد با خبرنگار اجنبی تا بلکه با مسدود توافقی، چند تایی هم لیچاژ بار مخالفان دولت کند! واقعبت آن است که ما، از زن و مرد دست‌اندر کار این دولت در زمینه محیط‌زیست، هیچ خبری ندیده‌ایم! آن از دولت‌زن قبلی! این هم از دولت‌مرد فعلی! حقا که باید بررسی کرد و دید، دولت در چه هوایی نفس می‌کند! و هوای که را و چه را دارد! آلودگی هوا، هر سال بدتر از سال قبل و هنوز هم خبری از تدبیر در مقام عمل نیست! خوب یادم هست در نخستین روزهای دولت اول آقای روحانی، آقای قالیباف در مقام «شهردار تهران» نامه‌ای به ایشان نوشت تا در عوض گرفتن فلان امکان و بهمان اختیار، صدر تا ذیل معضل آلودگی هوا، پایتخت را به گردن بگیرد! الساعه بیش از ۴ سال از آن نامه می‌گذرد و حتی تهران، شهردار جدیدش را هم دید لیکن ما تهرانی‌ها هنوز پاسخ دولت به آن نامه را ندیده‌ایم! گیرم قالیباف، اخ بود اما چه خوب، حالا که نجفی از خودتان است، یک تکانی به تدبیرتان بدهید! واقعا اگر قرار است معضل آلودگی هوا، کلاش‌بهرها و مشکل بی‌رحم ریزگردها در شماری دیگر از مناطق کشورمان، هر سال از سال قبل، بیشتر شود، دولت محترم لطف کند و جمع کند این سازمان محیط‌زیست را و مابقی دستگاه‌های عریض و طویلش را! این، مثل این می‌ماند که ما در دهه ۶۰ با وجود شیروجه‌های حاج‌احمد متوسلیمان، هرگز آزادی خرمشهر را نمی‌دیدیم!

مسافرت، آن وقت فقط مسؤلان محترم می‌مانند و هوای خاکستری شهر! و این اصلا انصاف نیست! پای مسافرت رئیس سازمان محیط‌زیست در اوج آلودگی را هم وسط نکشید که آن برای صلاح مردم بوده! اگر نه که خودشان و فرزندان‌شان همگی ساکن ایرانند و تابعیت هیچ کشور دیگری را ندارند و تا آخرین نفس کنار مردم هستند. و اما! هم کمیته اضطرار آلودگی هوا تشکیل شده و ما گویا معنای اضطرار را نمی‌دانیم! پدیده جوی‌ای که لاقال ۱۶ سال است در همین بازه زمانی تکرار می‌شود اسمش اضطرار نیست! پدیده‌ای است که همانطور که تمام سخنرانان و مدعوان همایش‌های‌شان عنوان می‌کنند، نیاز به برنامه‌ریزی درازمدت دارد و من نمی‌دانم ما منتظر نشست‌هایی که از کدام کره آسمانی بیایند و برای‌مان برنامه‌ریزی درازمدت کنند! و این کمیته هم مانند هر سال، هر روز جلسه برگزار می‌کند، موز و پرتقال می‌خورند و یکی یکی میکروفن به دست می‌گیرند و اظهار فضل می‌کنند و تقصیر را به گردن دولت‌های قبیل می‌اندازند و از خودشان تعریف و تمجید می‌کنند تا روزی که باران بیارد. وقتی باران بارید و کمی هم باد وزید، همه از هم خداحافظی می‌کنند و تا سال آینده همدیگر را به خدای بزرگ می‌سپارند! تا کمیته اضطرار آلودگی هوا سال بعد، خدا یار و نگهدار! تا!

عکس: آژانس عکس ایران

شرایط اضطراری هوا در تهران، ارومیه، تبریز، اصفهان و چند شهر دیگر ادامه دارد

یلدای خفگی

■ با وجود قرار گرفتن شاخص آلاینده‌ها روی عدد ۱۸۰ در پایتخت، فقط مدارس تعطیل شد
■ در تبریز، اصفهان و ارومیه نیز کار به تعطیلی مدارس ختم شد

صفحه ۴



عکس: آژانس عکس ایران

تکرار دود، آلودگی و کمیته اضطرار

■ زینب محبوبی

مشکل هوای تهران احتیاج به برنامه‌ریزی درازمدت دارد و عجالتاً تنها راه (بخوانید خنده‌دارترین راه) تعطیل کردن مدارس است.

و ما بازم منتظر می‌مانیم تا برنامه‌ریزی درازمدت کنند برای سال آینده یا حتی چند سال آینده اما بنده‌های خدا از بس سرشان شلوغ است به سمینار و همایش و جایزه دادن و مدال دادن به همدیگر، فراموش می‌کنند بنشینند و برای نفس‌ها برنامه‌ریزی درازمدت کنند. و شاید اگر بعضی از محیط‌زیستی‌ها، مثلاً رئیس سازمان‌شان، در زمان آلودگی هوا در تهران بمانند و نروند مراکش! شرایط بحرانی هوا را بیشتر درک کنند! ولی خب! ما که نمی‌دانیم، لابد قرار بوده از مراکش برای‌مان اکسیژن بیاورند، چون گویا از دست خودمان کاری جز تعطیلی مدارس بر نمی‌آید! البته با روشی که اینها مدارس را تعطیل می‌کنند چندان فایده‌ای ندارد! ساعت ۱۲ شب اعلام می‌کنند مدارس تعطیل است و یک روز یک روز تمدید می‌کنند که مبدا مردم از شهر خارج شوند! باید همینجا بمانند و نفس بکشند! اگر یک هفته را تعطیل اعلام کنند یک موقع خدای نکرده همه می‌روند

مهم و کارگشایی اتخاذ می‌کند! خدا خیرشان دهد! مدرسه‌ها را تعطیل می‌کنند و ما جوک می‌سازیم که «بالاخره همه‌مان در این هوا می‌میریم و یک مشت بچه مهد کودکی و دبستانی زنده می‌مانند» و توی تلگرام می‌خندیم و شاد می‌شویم. ما مردمان شاد و کم‌توقعی هستیم. در کل پاییز و آلودگی‌هایش، همان چند روز تعطیلی مدارس دل‌مان را خوش می‌کند و اگر کار به جایی برسد که دانشگاه هم تعطیل شود که دیگر یک سال غرق کیفی! و این هم از برکات آموزش و پرورش است که آنقدر دل‌انگیز و مفرح است برای‌مان که حاضریم دود بخوریم و سرب تنفس کنیم ولی مدرسه نرویم، بله! از بس که ما مردمان شاد و کم‌توقعی هستیم و حتی به ذهن‌مان هم نمی‌رسد که به‌خاطر این شرایط، از دولت مطالبه‌ای کنیم! از بس که تمام مطالبات‌مان را لیست کرده‌اند و جلوی روی‌شان زده‌اند تا یکی یکی رسیدگی کنند! و هر سال همین موقع‌ها، سازمان محیط‌زیست ستاد بحرانی تشکیل می‌دهد و جلسه فوری برگزار می‌کند که به مشکل آلودگی هوای تهران رسیدگی شود و نتیجه تمام این جلسات این است که: «حل کردن

روزنه
چون پاییز فصل محبوب من است، پاییز را دوست دارم، به خاطر روزهای کوتاه و غروب‌های زود هنگامش، به خاطر بادهای سردی که برگ‌های خشک را از زمین بلند می‌کند، به خاطر سسنگرفش‌های خیابان ولیعصر که بسا زردی برگ رنگ‌آمیزی می‌شود، به خاطر راه رفتن زیر باران و خیس شدن باهایم درون کفش. پاییز حال عاشقی دارد، حال گوش دادن موزیک و قهوه خوردن کنار پنجره، حال ها کردن دست‌های یخ کرده...
و اینها همه خاطره هستند، اینها همه شعر هستند، اینها همه آرزو هستند، تهران دیگر پاییز دل‌انگیز برگریز ندارد، پایان تابستان حالا برآیم کابوسی است، از هوای آلوده و سردرد و سرفه! کابوسی از آسم فصلی، کابوسی از زرخ و خستگی...
پاییز تهران بوی دود می‌دهد نه بوی باران. پاییز تهران حال مرضی دارد نه حال عاشقی. پاییز تهران آسمان خاکستری دارد نه آسمان بارانی. پاییز تهران دارد خفگی می‌کند؛ خسته‌ام می‌کند و هر سال فراموش می‌کنم این قصه غم‌انگیز آلودگی هوا را! از وسط‌های تابستان منتظر پاییزم و حال خوب اما مهر که به آبان می‌رسد، دوباره سردرد و سرفه و کسالت.
هر سال همین موقع‌ها ستاد بحران تشکیل می‌شود برای آلودگی و تصمیمات بسیار بسیار

روزنه

فهم کودکان تکنوکرات‌ها از مردم!

■ امیر استکی

برای فهمیدن نوع تعامل دولت تدبیر و امید با مردم و فهم مئونولوگ کودکانی که این نخبان سیاسی به واسطه آن با مردم رابطه برقرار می‌کنند، کافی است به افزایش درآمد دولت از جرایم رانندگی در این چند سال توجه کنیم. روی نمودار بردن این ارقام نتیجه جالبی دارد. سال ۹۱ میزان این درآمد ۴۰۰ میلیارد تومان بوده است، سال نود و دو ۹۰۰ میلیارد تومان، سال نود و سه ۱۶۵۰ میلیارد تومان، سال نود و چهار ۲۲۰۰ میلیارد تومان، سال نود و پنج ۲۸۰۰ میلیارد تومان، سال نود و شش ۲۸۰۰ میلیارد تومان و برای سال ۹۷ هم ۳۰۰۰ میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. از طرف دیگر کل مخارج مربوط به امور راهنمایی و رانندگی در بودجه سال ۹۷ برابر ۱۲۱۸/۸۹ میلیارد تومان است. به فرض محال اگر همه این پول‌ها را هم به فرهنگ‌سازی در زمینه کاهش تخلفات راهنمایی و رانندگی اختصاص دهند باز فاصله‌ای بسیار نجومی تا ۲۰۰۰ میلیارد تومانی که از راه جریمه‌های رانندگی عاید دولت خواهد شد، وجود دارد. به عبارت دیگر دولت نه تنها پولی بسیار بیشتر از کل مخارج مربوط به مقوله راهنمایی و رانندگی را می‌خواهد از مردم در قالب جریمه دریافت کند، بلکه به گواهی ارقام موجود در لایحه بودجه هیچ قصدی برای هزینه‌کرد از این محل در راستای ارتقای فرهنگ رانندگی و کاهش تخلفات در این زمینه ندارد. یعنی جریمه نه یک سازوکار تنبیهی، بلکه یک سازوکار درآمدزا در نظر گرفته شده است.

از ابتدای روی کار آمدن دولت تدبیر و امید این رقم سال به سال به میزان قابل توجهی افزوده شده است تا به سالی می‌رسیم که قرار است دولت دوباره در معرض انتخاب مردم قرار گیرد. در این سال افزایشی وجود ندارد و بلافاصله پس از رای آوری مجدد دولت تدبیر و امید، در سال ۹۷ بی‌معطلی روند افزایشی در رقم این مالیات تنبیهی آغاز می‌شود. همین منطق را می‌شود در بحث یارانه‌ها نیز مشاهده کرد. دولت که با توسل به تبلیغات گسترده و به میدان کشیدن سلبریتی‌ها و افراد معروف در پی این بود که یک بهمن بزرگ از انصراف از یارانه راه بیندازد، وقتی با انصراف ندادن تقریباً همه یارانه‌گیران مواجه شد، آرام آرام و بی‌سر و صدا شروع به حذف تعدادی از یارانه بگیران کرد. ادامه در صفحه ۵

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

